

پیش‌بینی بلوغ عاطفی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه بر اساس سبک دلبستگی و میزان تمایز یافتگی مادران در شهر نجف آباد

بهاره مختاری^۱

کیومرث فرحبخش^۲

چکیده

بلوغ عاطفی جزء عوامل سلامت روان است و بررسی مؤلفه‌های پیش‌بینی‌کننده آن می‌تواند به ما در فهم بهتر این پدیده و بهبود آن یاری رساند. پیش‌بینی بلوغ عاطفی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه بر اساس سبک دلبستگی و میزان تمایز یافتگی مادران شهر نجف آباد. تحقیق حاضر یک طرح توصیفی - همبستگی است و جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر نجف آباد و مادرانشان در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ می‌باشد که از آنها ۳۱۷ نفر نمونه به روش خوشه‌ای انتخاب شدند. سپس پرسشنامه بلوغ عاطفی سینگ و بهار گاوا برای دختران و تمایز یافتگی از اسکورن و فریدلندر و سبک دلبستگی کولینز و رید برای مادران توزیع شد. و نیز داده‌ها به روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه مورد تحلیل قرار گرفت. بین بلوغ عاطفی با تمایز یافتگی و مؤلفه‌های آن (واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، هم‌آمیختگی و گریز عاطفی) رابطه مثبت وجود دارد. و میان بلوغ عاطفی و دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی رابطه منفی است. اما میان دلبستگی ایمن و اجتنابی با بلوغ عاطفی رابطه یافت نشد. نتایج نشان می‌دهد باید برای ارتقاء تمایز یافتگی و اصلاح سبک دلبستگی از طرق مختلف کوشید. چراکه این مؤلفه‌ها نه تنها در افزایش بلوغ عاطفی اهمیت دارند؛ بلکه به طور نسلی منتقل شده و کیفیت زندگی نسل‌های بعد را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهند.

واژه‌گان کلیدی: بلوغ عاطفی، دانش‌آموزان، سبک دلبستگی، تمایز یافتگی، مادران.

۱- کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد خمینی شهر، اصفهان، ایران.

dovebahar@gmail.com

۲- دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد خمینی شهر، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

kiiumars@yahoo.com

مقدمه

نوجوانی مقدمه‌ای برای ورود به بزرگسالی و برعهده گرفتن نقش‌های مهمی چون اشتغال و تأهل است. چنانچه فرد بتواند به پختگی قابل قبولی در نوجوانی دست یابد، در واقع شالوده قابل اعتمادی را برای آینده‌ی خود بنا نهاده است. همچنین یکی از مؤلفه‌های رسیدن به دوره بزرگسالی به معنای واقعی کلمه، کسب بلوغ عاطفی^۱ است. بلوغ عاطفی به توانایی افراد برای مدیریت عواطف خود و همچنین ارزیابی حالت‌های عاطفی دیگران در روابط بین فردی، به منظور اتخاذ تصمیمات و اقدامات مناسب گفته می‌شود. برجسته‌ترین علامت بلوغ عاطفی، توانایی تحمل تنش و در عین حال بی‌تفاوتی نسبت به برخی محرک‌هایی است که بر فرد اثر می‌گذارند و ممکن است او را دستخوش احساسات منفی کنند. (رافیلد الی^۲، ۲۰۱۷ به نقل از ریگی، هنرمند، رحیمی، شلیده و امینی، ۱۳۹۷). با توجه به تعریف بلوغ عاطفی این سؤال مطرح می‌شود که چرا برخی افراد به سطوح بالای بلوغ عاطفی دست می‌یابند و بعضی دیگر با وجود گذر از سنین نوجوانی در این زمینه بالغ نمی‌شوند؟ شاید بتوان جواب این سؤال را از زبان سالیوان^۳ (۱۹۵۳) شنید که می‌گفت: آدم‌ها اصولاً محصول تعاملات اجتماعی هستند. برای فهمیدن طرز کار و عملکردشان هم باید الگوهای نسبتاً پایدار و وضعیت‌های میان فردی تکرار شونده در زندگی آنان را بررسی کرد. این در حالی است که الگوهای تعاملی درون خانواده، علاوه بر روابط فرد در درون و بیرون از خانواده، نفوذ مهمی در شخصیت فرد دارد. (کورسینی، ودینگ و دیومانت^۴ ۲۰۰۸

-
1. emotional maturity
 2. Rafeedali
 3. Salivan
 4. Corsini, Wedding & Dumont

گلدنبرگ و گلدنبرگ^۱ ۲۰۱۳ ترجمه فیروزبخت، ۱۳۹۴). بنابراین بدیهی است که برای ارزیابی بلوغ عاطفی نیز نمی‌توان تنها به فرایندهای درون روانی یک شخص رجوع کرد، چرا که بلوغ عاطفی در تعامل با دیگران معنا پیدا می‌کند. در نتیجه ضروری است که ما به روابط هر فرد در شکل‌گیری این مفهوم توجه کنیم. پس برای تحقق این هدف خانواده و از اعضای خانواده، مادر را انتخاب کردیم چرا که معمولاً مادر به عنوان مراقب اولیه و دیگری مهم هر فرد محسوب می‌شود. و قطعاً نوع و کیفیت رابطه مادر- کودک نقش شگرفی در شکل‌گیری سبک دلبستگی و شخصیت فرزندان داشته و می‌تواند به عنوان یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی روابط عاطفی آتی کودک و پایه‌ای برای بلوغ عاطفی او محسوب شود. علاوه بر این چنانچه مادر خود از سبک دلبستگی ایمن بهره‌مند باشد می‌تواند به فرزندش نیز ایمنی بخشد. بر این اساس به دو نمونه از نظریاتی که به تعامل‌های خانواده می‌پردازد که همانا نظریه سیستمی بوئن^۲ (۱۹۷۶) و نظریه‌ی دلبستگی بالبی^۳ است توجه شد. نظریه‌ی دلبستگی بالبی و مفهوم تمایز یافتگی در نظریه‌ی بوئن بسیار در ارتباط‌اند. به این معنا که بالبی در نظریه‌ی خود به فرضیه‌ی فروید^۴ اشاره می‌کند که رابطه‌ی نوزاد- والد نمونه‌ای نخستین برای روابط عاشقانه‌ی بعدی در بزرگسالی میدانند. بالبی معتقد است دلبستگی در روابطه‌ی والد و کودک به رابطه‌ی عاشقانه‌ی بزرگسالی فرد انتقال می‌یابد و می‌تواند بر رفتار، شناخت و هیجانات در هر زمان از زندگی تأثیر بگذارد. (خوشابی و ابوحمز ۱۳۸۵). علاوه بر این طبق مفهوم انتقال چند نسلی در نظریه‌ی بوئن نیز میزان تمایز یافتگی والدین به صورت نسلی به فرزندان انتقال می‌یابد. و بر این اساس

1. Bowlby

2. Freud

3. H. Goldenberg & I. Goldenbe

4. Bowen

ناکارآیی شدید نتیجه‌ی اضطراب مزمنی تلقی می‌شود که در گذر چند نسل اتفاق افتاده است. در واقع تمایز یافتگی^۱ را می‌توان این‌گونه تعریف کرد که تمایز دو زمینه‌ی درون روانی و میان فردی دارد؛ در رابطه با مسائل درون روانی، شخص باید بتواند در برابر اضطراب، احساسات را از تفکر جدا کند و این را انتخاب کند که تحت هدایت عقل عمل کند یا تحت هدایت هیجان. و در مسائل بین فردی، باید ضمن صمیمی بودن با دیگران به عنوان یک فرد خود مختار، در دام بلوای هیجانی خانواده نیفتد. یکی دیگر از مفاهیم فرایند انتقال چندنسلی نیز فرایند فرافکنی خانواده است که به سطوح پایین تمایز یافتگی خویش فرزندانی منتهی می‌شود که غالباً حساسیت خاصی به الگوهای هیجانی والدین دارند. در مقابل، فرزندانی که کمتر درگیر تمرکز والدی بیشتر از حد می‌شوند، در مقایسه با والدین خود به تمایز یافتگی بیشتر می‌رسند. (روبرتو^۲ ۱۹۹۲، گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۳، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۹۴). از آنجا که مفهوم تمایز یافتگی نقاط اشتراک بسیار واضحی با بلوغ عاطفی دارد: مثل این‌که شخص بتواند خود را از نظر هیجانی از دیگران جدا کند و یا این‌که توانایی کنترل نوسانات شدید را دارد و یاد گرفته احساسات خود را کنترل کند. (روبراهان، ۱۳۹۵) خود، مزید بر علت است تا به این مولفه در شکل‌گیری بلوغ عاطفی توجه ویژه‌ای داشته باشیم. از سوی دیگر در جامعه‌ی امروز با آمار بالای نزاع‌های خیابانی و طلاق‌های قانونی و عاطفی مواجه هستیم. به طوری که طبق آمار رسمی منتشر شده از سایت سازمان پزشکی قانونی کشور، تنها در پنج ماهه نخست سال ۱۳۹۷، ۲۶۶۱۴۶ مورد در کل کشور به علت نزاع به این سازمان مراجعه کرده‌اند. (www.Imo.ir). و آمار منتشر شده از سایت رسمی سازمان ثبت احوال کشور نیز در سال ۱۳۹۶ حاکی از ثبت ۱۷۶۹۲۲ مورد

1. Defferentation of self
2. Roberto

طلاق در کشور دارد. (www.sabteahval.ir). متأسفانه آمارهایی از این دست، نمود واضحی از عدم بلوغ عاطفی قابل قبول در بزرگسالی است که علی‌رغم گذز از سنین نوجوانی، در این زمینه به پختگی مناسب نرسیده‌اند. که اگر این روند ادامه یابد شاهد اشاعه‌ی خشونت در جامعه، فروپاشی خانواده‌های بیشتر و کاهش سلامت روان افراد خواهیم بود. تحقیقات هم‌بیانگر این است که بلوغ عاطفی والدین با اختلالات رفتاری فرزندان و سازگاری آنان رابطه‌ی معنا دار دارد. (ایمانی و محب، ۱۳۸۸ و نودین‌یزدی، ۱۳۹۱). همچنین بلوغ عاطفی به عنوان نقش واسطه‌ای در رابطه‌ی بین عزت‌نفس و اضطراب اجتماعی نوجوانان دختر تأیید شده است. (اثنی‌عشری و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۴). و نیز می‌توان بلوغ عاطفی و میزان تمایز یافتگی را تبیین‌کننده‌ی روابط فرا زناشویی به شمار آورد. (روبراهان، ۱۳۹۵). از طرف دیگر انسانی که به بلوغ عاطفی رسیده باشد فلسفه‌ی زندگی معینی دارد که براساس آن می‌تواند از بحران‌های دائمی زندگی جلوگیری کند. چنین شخصی به پیشرفت‌های فعلی خود متکی است و به گذشته‌ی خود، هرچند هم با شکوه بوده باشد اتکایی ندارد و به کارهایی از قبیل امور جنسی، عشق، ازدواج و تربیت کودک با روشن‌فکری می‌نگرد و چنین شخصی قدرت کنترل احساسات و عواطف خود را دارد. (شاملو، ۱۳۸۰ به نقل از اصغری، سیدمحرمی، فراحی، کیدوزی، میرچوبی و برآبادی، ۱۳۹۵). بنابراین این لازم است به پژوهشی ریشه‌ای در این زمینه پردازیم و تلاش کنیم با توجه به این علل بستر آموزش مورد نیاز به خانواده‌ها را فراهم کرده تا علاوه بر رشد نوجوانان شاهد ارتقاء کیفیت روابط خانوادگی اجتماع باشیم.

روش

پژوهش حاضر طرحی توصیفی-همبستگی است. حجم جامعه تحقیق شامل کلیه دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر نجف آباد در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بوده است که بنا بر اعلام اداره آموزش و پرورش شهر نجف آباد تعدادشان ۱۸۱۶ نفر می‌باشد. طبق جدول مورگان حجم نمونه ۳۱۷ نفر از این دانش آموزان و مادرانشان است که به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب گردید. ابتدا از بین هفت دبیرستان دخترانه شهر، سه مدرسه به طور تصادفی انتخاب شدند و در مرحله بعد از هر مدرسه به طور میانگین ۵ کلاس انتخاب گردید و پرسشنامه ها برای دانش آموزان و مادران توزیع شد تا به تعداد نمونه مورد نظردست یافتیم. به منظور تحلیل داده ها در سطح آمار توصیفی از فراوانی، میانگین، انحراف معیار بهره گرفتیم. و در سطح آمار استنباطی از روش رگرسیون با استفاده از نرم افزار SPSS-25 استفاده شد. همچنین تحلیل معادله ی ساختاری داده های تحقیق با استفاده از نرم افزار AMOS انجام گرفت.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه بلوغ عاطفی (EMS): این مقیاس توسط سینگ و بهارگاوا^۱ در سال (۱۹۹۱) تدوین شده است که ۴۸ ماده دارد و هدف آن بررسی ابعاد مختلف بلوغ عاطفی (عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی، فروپاشی شخصیت، ناسازگاری اجتماعی و فقدان استقلال) می باشد. روش نمره گذاری بر اساس طیف لیکرت (خیلی زیاد= ۴ تا خیلی کم= ۱) تنظیم شده است. و کسب نمره بالا در این پرسشنامه به معنای بلوغ عاطفی پایین و نامطلوب است و برعکس. روایی این مقیاس در برابر معیارهای بیرونی یعنی پرسشنامه سازگاری حوزه " گها" برای دانشجویان کالج توسط سینها و سینگ^۲ تعیین شده است. در این پرسشنامه حوزه گها، سازگاری عاطفی دانشجویان کالج را اندازه می گیرد و تعداد

1. Sing&Bhargava
2.Sinha & Sing

سوالات این حوزه ۲۱ مورد است. همبستگی گشتاوری حاصل بین کل نمرات در ۲۱ سوال حوزه گها و کل نمرات در مقیاس بلوغ عاطفی ۰/۶۷ بوده است. (حافظ آبادی و بافتی، ۱۳۸۶). پایایی پرسشنامه نیز توسط آزمون- باز آزمون بر روی دانشجویان اندازه‌گیری شد که فاصله زمانی بین دو آزمون ۶ ماه بود و همبستگی گشتاوری بین دو اجرا ۰/۷۵ بود (ایمانی و محب ۱۳۸۸). مقدار آلفای کرونباخ برای پرسشنامه بلوغ عاطفی در این پژوهش ۰/۸۲ است.

۲. پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان: این پرسشنامه توسط کولینز و رید^۱ (۱۹۹۰) تدوین شده است؛ که شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک می‌باشد. این پرسشنامه مشتمل بر ۱۸ داده و ۳ زیرمقیاس ایمن، اجتنابی و دوسوگرا/ اضطرابی است. روش نمره گذاری به صورت طیف لیکرت (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۴) است. هرچه میزان نمره در یک خرده مقیاس نسبت به دو خرده مقیاس دیگر بالاتر باشد آن سبک به عنوان سبک دلبستگی غالب آن فرد در نظر گرفته می‌شود. مقدار آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه در پژوهش حاضر در مولفه دلبستگی ایمن ۰/۶۳ و در مولفه دلبستگی اجتنابی ۰/۶۷ و در مولفه سبک دوسوگرا اضطرابی ۰/۶۶ به دست آمده است. کولینز و رید (۱۹۹۰) به نقل از پاکدامن، (۱۳۸۰) نشان دادند که زیر مقیاسهای نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند و در مورد قابلیت اعتماد این مقیاس میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیر مقیاس این پرسشنامه در ۳ نمونه از دانشجویان انجام گرفت. که نتیجه نشان داد مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است. بنابراین آزمون از اعتبار بالایی برخوردار می‌باشد. از سوی دیگر در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون با استفاده از آزمودن مجدد بصورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. این پرسشنامه (RAAS) در مورد ۱۰۰ دختر و پسر دبیرستانی که

بطور تصادفی انتخاب شده بودند اجرا گردید. نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که این آزمون در سطح ۰/۹۵ دارای اعتبار است. پاکدامن (۱۳۸۰).

۳. پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI): این پرسشنامه توسط اسکورن و فریدلندر^۱ (۱۹۹۸) تدوین شده است. این پرسشنامه از ۴۶ گویه و ۴ خرده مقیاس شامل: واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی با دیگران تشکیل شده است که به منظور سنجش تمایز یافتگی افراد به کار می‌رود. روش نمره گذاری به صورت طیف لیکرت (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۴) می‌باشد که هر چه میزان نمره فرد در این پرسشنامه بیشتر باشد فرد دارای تمایز یافتگی بیشتری است. همچنین کسب نمره بالاتر ابعاد این پرسشنامه، هر چند که معنای مفهومی آن‌ها بار منفی داشته باشد نیز مطلوب تلقی می‌شود. مثلاً اگر فرد نمره بالایی در خرده مقیاس‌های گریز عاطفی، واکنش پذیری عاطفی و هم آمیختگی کسب کند نشانگر این است که او در این ابعاد عملکرد مطلوبی داشته است. مقدار آلفای کرونباخ برای پرسشنامه تمایز یافتگی در این پژوهش ۰/۷۸ به دست آمده است. ضریب آلفای گزارش شده توسط اسکورن و فریدلندر برای پرسشنامه تمایز یافتگی ۰/۸۸ است. همین ضریب آلفا در پژوهش پلج - پوپکو^۲ (۲۰۰۴) انجام گرفت ۰/۸۶ است. (ثنائی، علاقبند، فلاحی و هومن ۱۳۸۷). به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه تمایز یافتگی از ۱۰ نفر از صاحب نظران در این زمینه نظرخواهی شد که روایی محتوایی این ابزار را مورد تایید قرار دادند. (ثنائی و همکاران، ۱۳۸۷).

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل توصیفی متغیرها: نتیجه تجزیه و تحلیل توصیفی متغیرهای حاضر در پژوهش در جدول (۱) نشان داده شده است. در این جدول، علاوه بر ابعاد مطرح شده

1. Scoren & freadlander
2. pelg - popco

برای هر یک از متغیرهای پژوهش، آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد و آلفای کرونباخ به هر یک از متغیرها نیز بیان شده است.

جدول (۱) شاخص‌های توصیفی و روانسنجی ابزارهای پژوهش

متغیر	ابعاد	میانگین	انحراف معیار	آلفای کرونباخ
بلوغ عاطفی	عدم ثبات عاطفی	۲۲/۲۸	۵/۱۴	۰/۶۸۷
	بازگشت عاطفی	۲۱/۵۲	۵/۱۹	۰/۶۹۹
	فروپاشی شخصیت	۲۱/۱۸	۴/۵۸	۰/۷
	ناسازگاری اجتماعی	۱۹/۲۷	۴/۸۶	۰/۷۱۴
	فقدان استقلال	۱۶/۰۱	۲/۸۴	۰/۶۸۸
	بلوغ عاطفی	۱۰۰/۲۶	۱۸/۳۴	۰/۸۲۱
تمایز یافتگی	واکنش‌پذیری	۲۶/۲۲	۴/۹۸	۰/۷۲۷
	جایگاه من	۳۰/۱۵	۴/۰۶	۰/۶۶۲
	گریز عاطفی	۳۳/۵۴	۴/۷۲	۰/۶۶۷
	هم‌آمیختگی	۲۷/۸۳	۴/۵۶	۰/۶۵۴
	تمایز یافتگی	۱۱۷/۷۵	۱۲/۴۴	۰/۷۸۶
سبک دلبستگی	دلبستگی ایمن	۹/۷۷	۲/۰۶	۰/۶۳۴
	دلبستگی اجتنابی	۹/۸۳	۱/۹۳	۰/۶۷۲
	دلبستگی دوسوگرا	۷/۰۸	۳/۴۴	۰/۶۶۸

آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها: جهت بررسی ادعای مطرح شده در مورد توزیع داده‌های یک متغیر کمی از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف (KS) استفاده می‌شود. در این آزمون، فرض صفر، ادعای مطرح شده در مورد نوع توزیع داده‌ها می‌باشد.

در تحقیق حاضر، نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون KS مورد بررسی قرار می‌گیرد. همانطور که در جدول (۲) مشخص است نتایج این آزمون نشان می‌دهد همه عوامل در نمونه مورد بررسی از توزیع نرمال پیروی می‌کنند، زیرا سطح معنی‌داری بیش از ۰/۰۵ است. بنابراین برای آزمون فرضیه‌ها می‌توان از آزمون‌های آماری پارامتریک استفاده نمود.

جدول (۲) نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

عامل / متغیر	سطح معنی‌داری	مقدار خطا	تأیید فرض	نتیجه‌گیری
بلوغ عاطفی	۰/۰۷۹	۰/۰۵	H0	نرمال است
تمایز یافتگی	۰/۲	۰/۰۵	H0	نرمال است
سبک دلبستگی	۰/۰۸۲	۰/۰۵	H0	نرمال است

یافته‌های استنباطی تحقیق: همانگونه که اشاره شد بلوغ عاطفی در پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش مولفه‌های عدم بلوغ عاطفی (عدم ثبات عاطفی بازگشت عاطفی فروپاشی شخصیت ناسازگاری و فقدان استقلال) را می‌سنجد و هر چه میزان نمره فرد در این پرسشنامه بیشتر شود در واقع شخص دارای بلوغ عاطفی کمتری است و بر عکس. پس لازم دانستیم برای ارائه تبیین آماری صحیح از موضوع و جلوگیری از ایجاد ابهام برای مخاطب به جای واژه بلوغ عاطفی، واژه عدم بلوغ عاطفی را به کار ببریم که به تبع آن هنگامی که همبستگی منفی میان تمایز یافتگی و عدم بلوغ عاطفی برقرار باشد این رابطه با خود بلوغ عاطفی همبستگی مثبت تلقی خواهد شد.

فرضیه پژوهش: بلوغ عاطفی دانش آموزان دختر بر اساس سبک دلبستگی و میزان تمایز یافتگی مادران قابل پیش بینی است.

جهت بررسی فرضیه‌ی پژوهش از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

جدول (۳) ماتریس همبستگی سبک دلبستگی، تمایز یافتگی و عدم بلوغ عاطفی

متغیر	تمایز یافتگی	سبک دلبستگی	بلوغ عاطفی
۱- تمایز یافتگی	۱		
۲- سبک دلبستگی	۰/۰۰۴	۱	
۳- عدم بلوغ عاطفی	-۰/۴۴۵**	۰/۰۳۴	۱
*p<0/05, **p<0/01			

بر اساس نتایج ماتریس میان تمایز یافتگی و عدم بلوغ عاطفی همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. که این رابطه بین تمایز یافتگی و بلوغ عاطفی مثبت تلقی میشود. ضریب همبستگی ۰/۴۴۵- است که در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار میباشد. اما این رابطه میان سبک دلبستگی و بلوغ عاطفی در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار نیست.

جدول (۴) ضرایب رگرسیون مدل پیش بینی بلوغ عاطفی بر اساس سبکهای دلبستگی

اهمیت آماری)p(T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		متغیر
		بتا	انحراف استاندارد	B	
۰/۰۰۱	۱۴/۳۶	-	۷/۱۹	۱۰۳/۴۴	ثابت
۰/۶۵۳	۰/۴۵۱	-۰/۰۳۷	۰/۷۲۱	۰/۳۲۵	سبک دلبستگی ایمن
۰/۰۰۱	۱۵/۰۳	-	۷/۶۴	۱۱۴/۸۴	ثابت
۰/۰۵۴	۱/۹۴	-۰/۱۵۶	۰/۷۶۲	۱/۴۸	سبک دلبستگی اجتنابی
۰/۰۰۱	۲۷/۵۲	-	۳/۳	۹۰/۹۴	ثابت
۰/۰۰۲	۳/۱۳۴	۰/۲۴۷	۰/۴۲	۱/۳۱	سبک دلبستگی دوسوگرا

یافته های جدول (۴) حاکی از آن است که سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی مادران نقشی در پیش بینی بلوغ عاطفی دانش آموزان ندارد. ($p>0/05$). اما ضریب بتا به ازای

یک واحد افزایش در سبک دوسوگرا- اضطرابی مادران، عدم بلوغ عاطفی دانش آموزان را ۲۴ درصد افزایش میدهد. که این رابطه به ازای یک واحد افزایش در سبک دوسوگرا- اضطرابی به همان میزان (۲۴ درصد) بلوغ عاطفی را کاهش میدهد.

جدول (۵) تحلیل واریانس مدل پیش‌بینی بلوغ عاطفی براساس سبک دلبستگی ایمن،

اجتنابی، دوسوگرا - اضطرابی

متغیر	مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	متوسط مربعات	F	اهمیت آماری (p)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R ²)
دلبستگی ایمن	رگرسیون	۶۸۷۹	۱	۶۸۷۹	۰/۲۰۳	۰/۶۵۳	۰/۰۳۷	۰/۰۰۱
	باقیمانده	۵۱۰۸۳/۲۲	۳۱۵	۳۳۸/۲۹				
	مجموع	۵۱۱۵۲/۰۱	۳۱۶					
دلبستگی اجتنابی	رگرسیون	۱۲۵۰/۰۲	۱	۱۲۵۰/۰۲	۳/۷۸	۰/۰۵۴	۰/۱۵۶	۰/۰۲۴
	باقیمانده	۴۹۹۰۱/۹۹	۳۱۵	۳۳۰/۴۷				
	مجموع	۵۱۱۵۲/۰۱	۳۱۶					
دلبستگی دوسوگرا اضطرابی	رگرسیون	۳۱۲۴/۸	۱	۳۱۲۴/۸	۹/۸۲	۰/۰۰۲	۰/۲۴۷	۰/۰۶۱
	باقیمانده	۴۸۰۳۷/۲	۳۱۵	۳۱۸/۰۶				
	مجموع	۵۱۱۵۲/۰۱	۳۱۶					

جدول (۵) پارامترهای اعتبارسنجی مدل پژوهش به صورت تابعی از متغیرهای پیش‌بینی کننده بلوغ عاطفی را نشان می‌دهد. بر طبق نتایج رابطه بین سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی با بلوغ عاطفی معنادار نبوده است. ($p > 0/05$). اما سبک دوسوگرا- اضطرابی توانست ۶/۱ درصد از بلوغ عاطفی را تبیین کند. با توجه به مقدار پارامتر مدل معنادار ($p < 0/01$) بدست آمده، و مدل ارائه شده از اهمیت آماری بالایی برخوردار بوده و به خوبی قادر است (در سطح اطمینان ۹۹٪) بلوغ عاطفی را به صورت تابعی از متغیرهای پیش‌بینی کننده سبک دوسوگرا- اضطرابی پیش‌بینی نماید.

جدول (۶) ضرایب رگرسیون مدل پیش‌بینی بلوغ عاطفی بر اساس تمایز یافتگی و خرده مقیاس‌های آن

اهمیت آماری (p)	T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		متغیر
		بتا	انحراف استاندارد	B	
۰/۰۰۱	۱۳/۹۶	-	۲/۷۲	۱۷۷/۵۹	ثابت
۰/۰۰۱	۶/۱۱۳	-۰/۴۴۵	۰/۱۰۷	-۰/۶۵۷	تمایز یافتگی (کل)
۰/۰۰۱	۱۹/۸۹	-	۷/۱۸	۱۴۲/۸۷	ثابت
۰/۰۰۱	۶/۰۳	-۰/۴۴۱	۰/۲۹۶	-۱/۶۲	واکنش‌پذیری عاطفی
۰/۰۰۱	۱۱/۷۷	-	۱۰/۹۳	۱۲۸/۷۷	ثابت
۰/۰۰۹	۲/۶۳	-۰/۲۰۹	۰/۳۵۹	-۰/۹۴	جایگاه من
۰/۰۰۱	۱۴/۱۳	-	۱۰/۱۰۹	۱۴۲/۸۷	ثابت
۰/۰۰۱	۴/۲۵	-۰/۳۲۷	۰/۲۹۸	۱/۲۷	گریز عاطفی
۰/۰۰۱	۱۳/۶۸	-	۹/۰۲۱	۱۲۳/۴۸	ثابت
۰/۰۱	۲/۶۰۷	-۰/۲۰۸	۰/۳۲	-۰/۸۳	هم‌آمیختگی

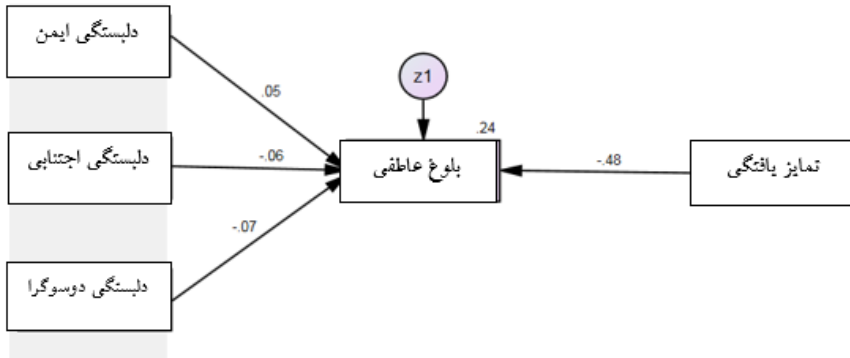
یافته‌های جدول (۶) حاکی از آن است که ضریب بتا به ازای یک واحد افزایش در تمایز یافتگی، واکنش‌پذیری، جایگاه من، گریز عاطفی و آمیختگی مادران، عدم بلوغ عاطفی دانش‌آموزان به ترتیب ۴۴ درصد، ۴۴ درصد، ۲۰ درصد، ۳۲ درصد و ۲۰ درصد کاهش می‌دهد. که این رابطه به ازای یک واحد افزایش در تمایز یافتگی و هر یک از ابعاد آن به طور مجزا به همان ترتیب مذکور بلوغ عاطفی را افزایش می‌دهد.

جدول (۷) تحلیل واریانس مدل پیش‌بینی بلوغ عاطفی براساس تمایز یافتگی و خرده مقیاس‌های آن

متغیر	مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	متوسط مربعات	F	اهمیت آماری (p)	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R ²)
تمایز یافتگی (کل)	رگرسیون	۱۰۱۴۷/۶	۱	۱۰۱۴۷/۶	۳۷/۳۶	۰/۰۰۱	۰/۴۴۵	۰/۱۹۸
	باقیمانده	۴۱۰۰۴/۴	۳۱۵	۳۷۱/۵				
	مجموع	۵۱۱۵۲/۰۱	۳۱۶					
واکنش پذیری عاطفی	رگرسیون	۹۹۹۴/۷	۱	۹۹۹۴/۷	۳۶/۴۶	۰/۰۰۱	۰/۴۴۱	۰/۱۹۵
	باقیمانده	۴۱۲۰۲/۳	۳۱۵	۳۷۲/۸۶				
	مجموع	۵۱۱۵۲/۰۱	۳۱۶					
جایگاه من	رگرسیون	۲۲۴۲/۲	۱	۲۲۴۲/۲	۶/۹۲	۰/۰۰۹	۰/۲۰۹	۰/۰۴۴
	باقیمانده	۴۸۹۰۹/۸	۳۱۵	۳۲۳/۹				
	مجموع	۵۱۱۵۲/۰۱	۳۱۶					
گریز عاطفی	رگرسیون	۵۴۷۸/۲	۱	۵۴۷۸/۲	۱۸/۱۱	۰/۰۰۱	۰/۳۲۷	۰/۱۰۷
	باقیمانده	۴۵۶۷۳/۷	۳۱۵	۳۰۲/۴۷				
	مجموع	۵۱۱۵۲/۰۱	۳۱۶					
آمیختگی	رگرسیون	۲۲۰۳/۶۸	۱	۲۲۰۳/۶۸	۶/۷۹	۰/۰۰۱	۰/۲۰۸	۰/۰۴۳
	باقیمانده	۴۸۹۴۸/۳	۳۱۵	۳۲۴/۱۶				
	مجموع	۵۱۱۵۲/۰۱	۳۱۶					

جدول (۷) پارامترهای اعتبارسنجی مدل پژوهش به صورت تابعی از متغیرهای پیش‌بینی کننده بلوغ عاطفی را نشان می‌دهد. بر طبق نتایج متغیر به ترتیب تمایز یافتگی توانست ۱۹/۸ درصد، واکنش پذیری عاطفی ۱۹/۵ درصد، جایگاه من، ۴/۴ درصد، گریز عاطفی ۱۰/۷ درصد و هم آمیختگی ۴/۳ درصد از بلوغ عاطفی را تبیین کند. با توجه به مقدار پارامتر مدل معنادار ($p < ۰/۰۱$) بدست آمده، مدل ارائه شده از اهمیت آماری بالایی برخوردار بوده و به خوبی قادر است (در سطح اطمینان ۹۹٪) بلوغ عاطفی را به صورت تابعی از متغیرهای پیش‌بینی کننده تمایز یافتگی، واکنش پذیری عاطفی، مولفه جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی مادران پیش‌بینی نماید.

مدل پژوهش



جدول (۸) ضرایب مسیر مدل پژوهش

نتیجه	معناداری P	نسبت بحرانی C.R.	خطای استاندارد S.E.	ضریب استاندارد	
تایید نمی‌شود	۰/۴۵۶	۰/۷۴	۰/۶۴	۰/۰۵۳	سبک دلبستگی ایمن ← بلوغ عاطفی
تایید نمی‌شود	۰/۳۹۵	-۰/۸۵	۰/۶۸	-۰/۰۶	سبک دلبستگی اجتنابی ← بلوغ عاطفی
تایید نمی‌شود	۰/۳۱۱	-۱/۰۱	۰/۳۸	-۰/۰۷۲	سبک دلبستگی دوسوگرا ← بلوغ عاطفی
تایید می‌شود	***	-۶/۷۴	۰/۱۰۷	-۰/۴۷۷	تعمایز یافتگی ← بلوغ عاطفی

*** بیانگر اینست که مقدار P از ۰/۰۰۱ کمتر است

نتایج جدول (۸) نشان می‌دهد که مسیر چهارم در مدل پژوهش معنادار است. با در نظر گرفتن اینکه مقدار معناداری از ۰/۰۰۱ کمتر است.

جدول (۹) CMIN

مدل	NPAR	CMIN	DF	P	CMIN/DF
مدل پژوهش	۹	۱۱۳/۰۷	۶	۰/۰۰۱	۱۸/۸۴
مدل اشباع	۱۵	۰/۰۰۱	۰		
مدل مستقل	۵	۱۴۸/۲۵	۱۰	۰/۰۰۱	۱۴/۸۲

با توجه به اینکه مقدار P کوچکتر از ۰/۰۵ است و مقدار CMIN/DF از ۵ بزرگتر است^۱، بر اساس شاخص کای اسکوتر این مدل به لحاظ برازش مناسب نیست.

^۱ - مقدار CMIN/DF باید بین ۱ تا ۵ باشد تا نشان دهد مدل به لحاظ برازش مناسب است.

بحث و نتیجه گیری

یافته های تحقیق، فرضیه پژوهش مبنی بر پیش بینی بلوغ عاطفی دختران بر اساس تمایز یافتگی مادران را تایید نمود. و نشان داده شد که بین این دو مولفه همبستگی مثبتی وجود دارد. در این زمینه شیخ السلامی، شیرزادی و میرزایی (۱۳۹۵) پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بلوغ عاطفی و تمایز یافتگی از خانواده اصلی در دانش آموزان دبیرستانی صورت دادند که نتایج نشان داد حدود ۹۰ درصد واریانس بلوغ عاطفی توسط تمایز یافتگی و مولفه های آن قابل پیش بینی است. همچنین در پژوهش روبراهان (۱۳۹۵) با موضوع رابطه بلوغ عاطفی، تمایز یافتگی و طرحواره های ناسازگار اولیه با روابط فزانشویی نتیجه نشان داد ۰/۱۴ درصد از واریانس روابط فزانشویی توسط بلوغ عاطفی و ۰/۹۷ درصد از واریانس روابط فزانشویی توسط تمایز یافتگی تبیین شده است. که این نتایج با نتیجه حاضر همسو است. همچنین لایو، لیو، چان وی، وانگ و پینگ وی^۱ (۲۰۱۶) پژوهشی تحت عنوان همبستگی بین تمایز یافتگی و سازگاری حرفه ای دانشجویان کارشناسی پرستاری در چین^۱ انجام دادند که یافته ها نشان داد سطح تمایز یافتگی با سازگاری حرفه ای همبستگی مثبت دارد. این یافته با پژوهش حاضر از حیث این که یکی از خرده مقیاس های بلوغ عاطفی سازگاری است؛ همسو میباشد. در تبیین این فرضیه میتوان گفت که تمایز یافتگی به طور کلی این مساله را بیان می کند که شخص باید در برابر اضطراب در سطح درون روانی قادر باشد احساسات را از تفکر جدا کند و در سطح بین فردی نیز باید بتواند ضمن حفظ صمیمیت با دیگران به عنوان یک فرد خود مختار عمل کرده و در دام بلوهای هیجانی دیگران نیفتد. (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۱۳ ترجمه فیروز بخت، ۱۳۹۴). این مطلب به مدیریت هیجان توسط شخص در مواقع پرتنش و حفظ استقلال فرد اشاره دارد که با تعریف بلوغ عاطفی مبنی بر داشتن صمیمیت، ابراز وجود، استقلال، تعادل روانی و توانایی کنترل سازنده خصومت تطابق دارد. این دو مولفه علاوه بر این که در تعریف کلی به هم نزدیک

1. Si wei liu, Lan luo, Mei chun wu, Rong wang, Yan ping wu

اند در تعریف خرده‌مقیاس‌ها نیز با هم از لحاظ نظری تطابق زیادی دارند که در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود.

جهت بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی واکنش‌پذیری عاطفی مادران در بلوغ عاطفی دختران نتیجه حاکی از رابطه مثبت بین این دو متغیر دارد. یعنی هر چه میزان واکنش‌پذیری عاطفی مادر مطلوب‌تر باشد بلوغ عاطفی دختر افزایش می‌یابد. همانگونه که قبلاً اشاره شد هر چه میزان نمره فرد در پرسشنامه (DSI) در مولفه واکنش‌پذیری عاطفی بیشتر باشد نشانگر این است که او در این بعد عملکرد مطلوبی داشته است. در این راستا اشرفی (۱۳۹۷) در تحقیقی به پیش‌بینی تمایل به خودکشی بر اساس تمایز یافتگی و تعارضات زناشویی در زنان در حال طلاق پرداخت و نتیجه گرفت از مولفه‌های تمایز یافتگی، مولفه واکنش‌پذیری عاطفی، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی با دیگران به صورت مثبت قادر به پیش‌بینی تمایل به افکار خودکشی می‌باشد. این یافته با نتیجه حاضر از حیث این که ثبات عاطفی یکی از مولفه‌های بلوغ عاطفی است و با واکنش‌پذیری عاطفی رابطه دارد، همسو می‌باشد. در تبیین این فرضیه می‌توان عنوان کرد که واکنش‌پذیری عاطفی زمانی اتفاق می‌افتد که هیجانات بر افکار غلبه کنند. در حقیقت هنگامی که شخصی به طور مداوم در تقابل با مسایل زندگی واکنش‌های هیجانی مثل خشم و مصادیق آن، رنجش، وحشت زدگی و هیجان‌هایی از این دست را به جای رفتار منطقی و حل مساله از خود بروز می‌دهد به معنای آن است که فرد واکنش‌پذیری عاطفی نامطلوبی دارد. این مولفه با خرده‌مقیاس‌های بلوغ عاطفی از جمله ثبات عاطفی که شامل مجموعه‌ای از قابلیت در حل و فصل مشکلات و عدم مواردی چون زودرنجی، آسیب‌پذیری، لجاجت و تندخویی است و نیز با خرده‌مقیاس بازگشت عاطفی که نماینده عواملی چون بیقراری، خصومت، پرخاشگری و خودمداری می‌باشد، مطابقت دارد.

جهت نقش پیش‌بینی‌کنندگی میزان مؤلفه‌ی «جایگاه من» مادران در بلوغ عاطفی دختران یافته‌ها نشان داد که میان این دو مولفه رابطه مثبت وجود دارد. یعنی هر چه میزان

مولفه جایگاه من مادر بیشتر باشد بلوغ عاطفی دختر افزایش می‌یابد. حاجی، بینا، حاجی، میدیا، رحیم زاده و محمدی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان بررسی اثر تمایز یافتگی و سبکهای دلبستگی بر خشونت نسبت به زنان انجام دادند یافته‌ها نشان داد که بین تمایز یافتگی با خشونت نسبت به زنان رابطه منفی وجود دارد. و از میان ابعاد تمایز یافتگی، واکنش‌پذیری عاطفی و جایگاه من پیش‌بینی منفی از خشونت نسبت به زنان دارند. همچنین در تحقیقی که توسط خورشیدزاده، سعدی پور و اسدزاده (۱۳۹۶) تحت عنوان «بررسی رابطه خودتنظیمی هیجانی و تمایز یافتگی خود با سازگاری تحصیلی دانشجویان دختر دوره کارشناسی دانشگاه علامه طباطبائی» انجام گرفت نتایج نشان داد بین خودتنظیمی هیجانی و تمایز یافتگی با سازگاری تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد. این یافته‌ها از جهت اهمیت جایگاه من که به پایداری هویت اشاره دارد و به تبع آن شخص بر هیجان‌ات خود تسلط بهتری میتواند داشته باشد با تعریف بلوغ عاطفی مبنی بر توانایی مدیریت عواطف و این که بلوغ عاطفی از نظر پیست و آمینابها^۱ (۲۰۰۶) جریانی است که طی آن شخصیت فرد مداوماً برای احراز بیش از پیش سلامت عاطفی، از لحاظ روانی و فردی می‌کوشد و قابلیت مقاومت در برابر تأخیر در ارضای نیازها را دارد و همچنین رابطه مثبت میان جایگاه من و بلوغ عاطفی همسو است. در تبیین نظری این فرضیه می‌توان عنوان کرده مفهوم جایگاه من در نظریه بوئن در واقع به سه جنبه اشاره دارد: من پایدار، من ناپایدار و خویشتن مستحکم. من پایدار به معنای این است که چه میزان مواضع شخص در یک مسیر حرکت کرده است و نیز هر چه اهداف و اعمال یک فرد به هم نزدیک باشند؛ شخص من پایدار نیرومندتری خواهد داشت. این مفهوم در نظریه بوئن مطابق با نظر راجرز در مورد سلامت روان است که او هم بیان میکند که هر چه میزان همپوشانی خود واقعی و خود ایده آل در یک فرد بیشتر باشد وی دارای سلامت روان بیشتری است. من ناپایدار به این موضوع که

چه میزان فرد، رفتار، افکار و احساساتش تحت تاثیر دیگران قرار دارد، اشاره میکند. هر چه میزان تاثیر پذیری کورکورانه از دیگران جهت دریافت تایید از نظر آنان در شخصی بیشتر باشد وی من‌ناپایدارتری خواهد داشت. خویشتم مستحکم نیز به این معنا اشاره دارد که چه میزان فرد میتواند خودش، عقاید و باورهایش را منهای خانواده خود تعریف کند. بنا بر تعریف فوق از مفهوم جایگاه من و مولفه‌های بلوغ عاطفی روشن میگردد که هر چه میزان من‌پایدار و خویشتن مستحکم در شخص بیشتر باشد شخص بیشتر دارای معیارهای بلوغ عاطفی مثل ثبات عاطفی و استقلال میباشد.

جهت بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی گریز عاطفی مادران در بلوغ عاطفی دختران یافته‌ها نشان داد که رابطه بین گریز عاطفی با بلوغ عاطفی مثبت است. یعنی هر چه گریز عاطفی مادر مطلوب‌تر باشد بلوغ عاطفی دختر افزایش می‌یابد. شایان ذکر است که هر چه میزان نمره فرد در پرسشنامه (DSI) در مولفه گریز عاطفی بیشتر باشد نشانگر این است که فرد در این بعد عملکرد مطلوبی داشته است. خسروی و شیرزادی (۱۳۹۷) تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه تمایز یافتگی با سازگاری اجتماعی و دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان خرم‌بید استان فارس انجام دادند؛ که نشان داد بین تمایز یافتگی و سازگاری اجتماعی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. این یافته با یافته تحقیق حاضر مبنی بر وجود رابطه مثبت بین گریز عاطفی با بلوغ عاطفی از حیث این که افرادی که در مولفه گریز عاطفی نامطلوب عمل میکنند نیز نمیتوانند با اطرافیان‌شان سازگاری مناسبی پیدا کنند و به همین علت دچار گسلس می‌شوند و این که یکی از مولفه‌های عدم بلوغ عاطفی ناسازگاری اجتماعی می‌باشد، همسو است. در تبیین این فرضیه میتوان گفت که گریز عاطفی زمانی ایجاد میشود که اعضای خانواده به دلیل یک دلبستگی هیجانی حل‌نشده از لحاظ فیزیکی یا روانی از یکدیگر دوری می‌جویند. گریز عاطفی سه نشانه دارد. چنانچه فرد به یکی از این نشانه‌ها مبتلا باشد وی دچار گسلس عاطفی شده است. این نشانه‌ها عبارت‌اند از: ۱. مهاجرت: در این نوع گسلس فرد به لحاظ جغرافیایی از خانواده اش دوری می‌جوید. ۲. انزوا: فرد به لحاظ

روانی و میزان صمیمیت و وقت گذرانی با اعضای خانواده از آنها دوری میجوید. ۳. هنگامی که فرد به طور ناخود آگاه در برابر آمیختگی و فشارهای ناشی از آن بیماری را انتخاب میکند. در حقیقت گریز عاطفی نا مطلوب در فرد با توجه به توضیحات فوق بایکی از عوامل بلوغ عاطفی از نظر مرلر^۱ یعنی توانایی مواجهه با واقعیت و روبه رو شدن با آن به جای فرار و اجتناب از مشکلات (مهران، ۱۳۸۶ به نقل از منصور نژاد، پورسید، کیانی و خدابخش، ۱۳۹۲). کاملاً در تقابل است و با خرده مقیاس های عدم بلوغ عاطفی از جمله فروپاشی شخصیت که شامل استفاده فرد از مکانیسم های دفاعی میباشد و نیز خرده مقیاس ناسازگاری اجتماعی که یکی از نشانه های آن ازوا است مطابقت دارد.

جهت بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی آمیختگی مادران در بلوغ عاطفی دختران نتیجه حاکی از رابطه مثبت بین آمیختگی با بلوغ عاطفی است. یعنی هر چه میزان هم آمیختگی مادر مطلوب تر باشد بلوغ عاطفی دختر افزایش می‌یابد. همانگونه که قبلاً اشاره شد هر چه میزان نمره فرد در پرسشنامه (DSI) در مولفه آمیختگی بیشتر باشد نشانگر این است که او در این بعد عملکرد مطلوبی داشته است. حاجی شیخی، پورا بر ابراهیم، خوش کنش و شکری (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان استقلال اقتصادی زن، بلوغ عاطفی و تمایز یافتگی زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی انجام دادند که نتیجه نشان داد استقلال مالی در زنان عادی بیشتر از زنان متقاضی طلاق میباشد. و نیز بلوغ عاطفی و تمایز یافتگی در زوج های عادی در وضعیت مطلوب تری نسبت به متقاضیان طلاق فرار دارد. این نتیجه را میتوان از نظر رابطه میان تمایز یافتگی و خرده مقیاس آمیختگی با بلوغ عاطفی با نتیجه پژوهش حاضر همسو دانست. چانگ^۲ (۲۰۱۸) هم تحقیقی با عنوان تست مدل وابستگی دانشجویان کالج در تایوان بر مبنای مفهوم تمایز بوئن انجام داد که یافته ها حاکی از وجود رابطه منفی بین سطوح وابستگی و تمایز یافتگی بود و اینکه خود متمایزی میتواند بخشی از رابطه بین اختلال

1. Merler
2. Shih hua chang

عملکرد خانوادگی و وابستگی باشد. این یافته از جهت وجود رابطه بین وابستگی و تفکیک خویشتن با یافته پژوهش حاضر مبنی بر وجود همبستگی مثبت میان تمایز یافتگی و بلوغ عاطفی با توجه به این که یکی از خرده مقیاس‌های بلوغ عاطفی استقلال است؛ همسو می‌باشد. در تبیین این مفروضه و برای درک بهتر از هم آمیختگی با دیگران می‌توان این مفهوم را تعریف به ضد نمود. هم آمیختگی در حقیقت مقابل تمایز یافتگی قرار دارد. تمایز یافتگی را هم میتوان مترادف با استقلال دانست چرا که در این مفهوم ابتدا فرد در زمینه درون روانی، در مواجهه با اضطراب باید بتواند احساسات را از تفکر تفکیک کند و یا به عبارت دیگر باید قادر باشد بدون آمیختن تفکر و احساس به همدیگر در مواقع تصمیم‌گیری هر کدام را به صورت مجزا تجزیه و تحلیل نماید. در مرتبه دوم فرد باید تلاش کند به عنوان یک فرد مستقل عمل کند و در سطح بین فردی نیز تفکیک احساس از تفکر را لحاظ کرده و در دام بلوهای هیجانی خانواده نیفتد. در مرتبه سوم این مساله عنوان میشود که می‌توان تمایز یافتگی فرد را در چهار سطح استقلال مورد ارزیابی قرار داد: ۱. استقلال عملکردی: چه میزان فرد قادر به انجام کارها بدون کمک و حضور دیگران است. ۲. استقلال عاطفی: چه میزان فرد تحت تاثیر عواطف دیگران قرار می‌گیرد. ۳. استقلال نگرش: چه میزان فرد نگرش‌های شخصی دارد و این نگرش‌ها چقدر متفاوت با نگرش‌های خانواده است. ۴. استقلال متعارض: این نوع استقلال به تردیدهای فرد و سردرگمی‌های او در بین نگرش‌های متفاوت پدر و مادرش اشاره دارد. در واقع شخصی که توانسته چنین تردیدهایی را برای خود و با دلایل منطقی حل و فصل کند به این جنبه از استقلال دست یافته است. یک فرد تمایز یافته در اکثر مواقع خالی از قضاوت دیگران فکر و عمل میکند و به این درک رسیده است که نه دیگران میتوانند او را کنترل کنند و نه او میتواند سایرین را کنترل کند. و نیز به طور کلی تمایز یافتگی و آمیختگی را میتوان در دو سمت یک طیف در نظر گرفت. هر چه شخص بیشتر مولفه‌های تمایز یافتگی را دارا باشد از آمیختگی به دور بوده و برعکس. آمیختگی با دیگران با مفهوم فقدان استقلال در عدم بلوغ عاطفی که به

وابستگی انگلی به دیگران، خودبین بودن و نداشتن رغبت‌های محسوس اشاره دارد تطابق پیدا میکند. بدیهی است که هر دو مورد در تقابل با مفهوم مستقل بودن در بلوغ عاطفی قرار دارند و چنانچه آمیختگی در سطح مطلوبی باشد بلوغ عاطفی را در پی خواهد داشت.

جهت بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی در بلوغ عاطفی دانش آموزان، یافته‌ها حاکی از آن است که رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و ایمن با بلوغ عاطفی معنادار نبوده است. پوراکیران و طاهری (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین بلوغ عاطفی و رضایت زناشویی با سبک‌های دلبستگی انجام دادند که نشان داد بین بلوغ عاطفی و رضایت زناشویی با سبک دلبستگی رابطه معناداری وجود دارد. این نتیجه از حیث وجود رابطه بین بلوغ عاطفی با سبک‌های دلبستگی با نتیجه پژوهش حاضر ناهمسو است. همچنین کریم منصور (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس تمایز یافتگی شخصیتی، اعتیاد به فضای مجازی و سبک‌های دلبستگی انجام داد؛ که یافته‌ها نشان داد تمایز یافتگی، اعتیاد به فضای مجازی و سبک‌های دلبستگی نقش معناداری در تبیین طلاق عاطفی دارند. همچنین بین دلبستگی‌های دوسوگرا و اجتنابی با طلاق عاطفی رابطه مثبت وجود داشت. این نتیجه از حیث وجود رابطه میان سبک‌های دلبستگی و طلاق عاطفی که نشانگر عدم بلوغ عاطفی قابل قبول در زوجین میباشد با نتیجه حاضر مبنی بر عدم وجود رابطه میان سبک اجتنابی و بلوغ عاطفی ناهمسو است. در تبیین دو فرضیه فوق میتوان گفت که عدم رابطه بین بلوغ عاطفی و سبک‌های دلبستگی ایمن و اجتنابی میتواند به علت ناهمگن بودن مادران در زمینه شغل تحصیلات و سن باشد. فاصله نسلی زیاد بین مادران و دختران و به تبع آن فاصله ارزش‌ها در بین آنان، با توجه به این نکته که سبک دلبستگی مولفه‌ای است که قابلیت تغییر دارد، میتواند بر این عدم رابطه موثر واقع شود. علاوه بر این ممکن است تعداد نمونه‌ی این پژوهش کافی نبوده باشد و برای به دست آوردن نتایج دقیق‌تر به نمونه وسیع‌تری و یا پژوهشی به روش طولی احتیاج داشته باشیم. پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید که در تحقیق حاضر مورد

استفاده قرار گرفته تنها ۱۸ سوال دارد و این احتمال را ایجاد میکند که تعداد کم این سوالات به درستی نتوانسته باشد شخص را در موقعیت‌های گوناگون بر اساس معیارهای سبک دلبستگی بسنجد. همچنین از آنجا که ابزار مورد نظر یک ابزار خود گزارشی است، این امکان را به آزمودنی‌ها میدهد که با تعصب، مقاومت و سوگیری به پرسش‌ها پاسخ داده باشند و نتایج تحقیق را تحت تاثیر قرار دهند.

همچنین جهت بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی سبک دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی مادران در بلوغ عاطفی دختران، نتایج حاکی از وجود رابطه منفی بین این دو مولفه است. یعنی هر چه میزان سبک دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی مادر بیشتر باشد بلوغ عاطفی دختر کاهش می‌یابد. در پژوهشی که قاسمی (۱۳۹۰) نیز در تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه بین سبک دلبستگی مادران با بلوغ عاطفی دانش‌آموزان عقب‌مانده‌ی ذهنی مقطع دبیرستان شهر اصفهان، نشان داد که سبک دلبستگی مادران بر روی بلوغ عاطفی فرزندان پسر عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر آنها تأثیر دارد. و سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا در مادران با بلوغ عاطفی پسران عقب‌مانده ذهنی ارتباط منفی داشت. که این یافته با نتیجه پژوهش حاضر مبنی بر وجود رابطه معنی‌دار منفی بین سبک دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی با بلوغ عاطفی همسو است. اسدی و توانا انجیزه‌ای (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی که تحت عنوان بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با بلوغ عاطفی دانش‌آموزان دختر متوسطه شهرستان گرگان انجام دادند. نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و بلوغ عاطفی رابطه مثبت معنادار و دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با بلوغ عاطفی رابطه منفی معنادار دارد. که این نتیجه از حیث وجود رابطه منفی بین بلوغ عاطفی با سبک دلبستگی دوسوگرا با نتیجه پژوهش حاضر مبنی بر وجود رابطه منفی بین سبک دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی با بلوغ عاطفی همسو است. گاپتا و شرما (۲۰۱۶) در تحقیقی که تحت عنوان «سبک دلبستگی، بلوغ عاطفی و عزت‌نفس در بزرگسالان معتاد و بدون اعتیاد به مواد مخدر» انجام دادند، نتایج نشان داد بزرگسالانی که از مواد مخدر استفاده نمی‌کردند، الگوی دلبستگی

امن، ثبات عاطفی و اعتماد به نفس بالایی نسبت به شرکت کنندگانی نشان دادند که از مواد مخدر استفاده می کردند. که این یافته با یافته تحقیق حاضر مبنی بر وجود رابطه معنی دار منفی بین سبک دلبستگی دو سو گرا- اضطرابی با بلوغ عاطفی همسو است. ایدنبرگ، شات، دیکر، سیندلار (۲۰۱۷) پژوهشی تحت عنوان «سبک دلبستگی و اعتیاد به اینترنت: یک نظرسنجی آنلاین» انجام دادند که یافته ها نشان داد شرکت کنندگان با سبک دلبستگی نایمن، گرایش بیشتری نسبت به استفاده بیمارگونه از اینترنت در مقایسه با شرکت کنندگان با دلبستگی ایمن نشان دادند. سبک دلبستگی دو سو گرا نیز به طور ویژه با استفاده بیمارگونه از اینترنت همراه بود. که این یافته نیز با یافته تحقیق حاضر مبنی بر وجود رابطه منفی بین سبک دلبستگی دو سو گرا- اضطرابی با بلوغ عاطفی همسو است. میناتی، کالاری و پینی (۲۰۱۷) هم پژوهشی تحت عنوان «سبک دلبستگی بزرگسالان و خودکشی» انجام دادند. یافته ها نشان می دهد که افراد دارای سبک دلبستگی نایمن، اغلب در معرض آسیب های اضطرابی و حل نشده اند که این مساله میتواند با افزایش خطر خودکشی همراه باشد. این نتیجه نیز با یافته تحقیق حاضر مبنی بر وجود رابطه منفی بین سبک دلبستگی دو سو گرا- اضطرابی با بلوغ عاطفی همسو است. در تبیین این فرضیه میتوان گفت افراد دارای سبک دلبستگی مضطرب، اطمینان ندارند که مورد عشق و علاقه دیگران هستند، ارزش عشق ورزیدن را دارند و احتمالاً مورد حمایت دیگران هستند. این وضعیت همراه با تردید و هراس منجر به گوش به زنگی و بدگمانی، در پی اطمینان بخشی مجدد بودن، اعتراضات خشم آور مکرر و حسادت در این افراد می شود. این سبک از دلبستگی با خرده مقیاس های عدم بلوغ عاطفی از جمله عدم ثبات عاطفی که شامل مجموعه ای از عدم قابلیت در حل و فصل مشکلات، زودرنجی، آسیب پذیری، لجاجت و تندخویی است و نیز با خرده مقیاس بازگشت عاطفی که نماینده عواملی چون احساس حقارت، بیقراری خصومت، پرخاشگری و خودمداری میباشد، مطابقت دارد.

- (۱) اثنی‌عشری، ندا و شیخ‌الاسلامی، راضیه (۱۳۹۴). «نقش واسطه‌ای بلوغ عاطفی در رابطه بین عزت نفس و اضطراب اجتماعی نوجوانان دختر»، **روش‌ها و مدل‌های روانشناختی**، ۲، ۲۲، ۵۱-۳۵.
- (۲) اسدی، اردشیر و توانا انجیزه‌بی، عاطفه (۱۳۹۶). «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با بلوغ عاطفی دانش‌آموزان دختر متوسطه شهرستان گرگان»، **کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی**. کازرون. دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون.
- (۳) اشرفی، صایر (۱۳۹۷). «پیش‌بینی تمایل به خودکشی بر اساس تمایز یافتگی و تعارضات زناشویی در زنان در حال طلاق»، **همایش ملی آسیب‌های اجتماعی و روانشناختی**. فیروزآباد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد- اداره بهزیستی شهرستان فیروزآباد.
- (۴) اصغری، محمدجواد؛ سیدمحرمی، ایمان؛ فراچی، سیدمهدی؛ کیزوری، امیرحسین؛ میرچوبی، نسرین و برآبادی، اعظم (۱۳۹۵). «رابطه بلوغ عاطفی با رضایت از زندگی در دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، **دانشگاه علوم پزشکی سبزوار**، ۲۳، ۴، ۵۷۰-۵۶۷.
- (۵) ایمانی، رویا و محب، نعیمه (۱۳۸۸). «رابطه بین بلوغ عاطفی مادران با اختلالات رفتاری فرزندانشان»، **زن و مطالعات خانواده**، ۲، ۶، ۴۹-۲۹.
- (۶) پوراکبران، الهه و طاهری، فاطمه (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین بلوغ عاطفی و رضایت مندی زناشویی با سبک‌های دلبستگی»، **اولین همایش ملی راهکارهای توسعه و ترویج علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره و آموزش در ایران**، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- (۷) ثنایی، باقر؛ علاقتند، سهیلا؛ فلاحتی، شهره و هومن، علی. (۱۳۸۷). **مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج**، تهران: بعثت.
- (۸) حافظ‌آبادی، فهیمه و بافتی، فاطمه (۱۳۸۶). «تفاوت بلوغ عاطفی دانشجویان خانم ۳۰-۱۸ ساله»، **پایان‌نامه کارشناسی** دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- (۹) حاجی، بینا؛ رحیم زاده، شادی؛ محمدی، محمد و حاجی، میدیا (۱۳۹۷). «بررسی اثر تمایز یافتگی و سبک‌های دلبستگی بر خشونت نسبت به زنان» **اولین کنفرانس ملی توسعه**

پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران، تهران، مرکز بین‌المللی همایش‌ها و

سمینارهای توسعه‌ی پایدار علوم جهان اسلام.

۱۰) حاجی شیخی، محسن؛ پور ابراهیم، تقی؛ خوش کنش، ابوالقاسم و شکری، امید (۱۳۹۴).

«استقلال اقتصادی زن، بلوغ عاطفی و تمایز یافتگی زوجین طلاق»، **مجموعه مقالات پنجمین**

کنگره انجمن روان‌شناسی ایران، تهران، ویژه‌نامه روان‌شناسی معاصر، ۱۰، ۴۵۰-۴۴۷.

۱۱) خورشید زاد، کیانا؛ سعدی پور، اسماعیل و اسدزاده، حسن (۱۳۹۶). «بررسی رابطه‌ی خود

تنظیمی هیجانی و تمایز یافتگی خود با سازگاری تحصیلی دانشجویان دختر دوره کارشناسی

دانشگاه علامه طباطبائی»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی**، تهران، دانشگاه

علامه طباطبائی.

۱۲) خسروی، صدرالله و شیرزادی، مسلم (۱۳۹۷). «بررسی رابطه تمایز یافتگی با سازگاری

اجتماعی و دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان خرم‌بید استان فارس»، **همایش ملی**

آسیب‌های اجتماعی و روان‌شناختی، فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

فیروزآباد- اداره بهزیستی شهرستان فیروزآباد.

۱۳) خوشابی، کتایون و ابوحمزه، الهام (۱۳۸۵). **جان‌بالی نظریه دل‌بستگی**، تهران: دانژه.

۱۴) روبراهان، افسانه (۱۳۹۵). «رابطه بلوغ عاطفی، تمایز یافتگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با

روابط فرازناشویی»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی خانواده درمانی**، دانشگاه

علم و فرهنگ تهران.

۱۵) ریگی، علی؛ هنرمند، مهناز؛ رحیمی، محمد؛ شلیده و کیومرث امینی، زینب (۱۳۹۷). «نقش

بلوغ عاطفی، خود‌تاب‌آوری و هوش معنوی در پیش‌بینی سازگاری با دانشگاه با کنترل

انعطاف‌پذیری شناختی در دانشجویان پسر» **پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت**، ۴، ۳، ۱۵،

۱-۱۲..

۱۶) سایت رسمی سازمان پزشکی قانونی کشور www.Imo.ir

۱۷) سایت رسمی سازمان ثبت احوال کشور. www.sabteahval.ir

۱۸) شیخ‌السلامی، راضیه؛ شیرزادی، محمدمهدی و میرزایی، حمزه (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بلوغ عاطفی و تمایز یافتگی از خانواده اصلی در گروهی از دانش‌آموزان مقطع متوسطه»، **ماهنامه علوم انسانی اسلامی**، شماره ۱، ۱۶-۱۳.

۱۹) قاسمی، خلیل (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین سبک دلبستگی مادران با بلوغ عاطفی دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی مقطع دبیرستان شهر اصفهان» **پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی کودکان با نیازهای خاص**، دانشگاه اصفهان.

۲۰) کریم‌منصور، فاطمه (۱۳۹۶). «پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس تمایز یافتگی شخصیتی، اعتیاد به فضای مجازی و سبک‌های دلبستگی» **کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی**، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان - دانشگاه علمی کاربردی شوشتر.

۲۱) گل‌دنبیرگ، هربرت و گل‌دنبیرگ، آیرین (۱۳۹۴). **مروری بر خانواده‌درمانی**، ترجمه مهرداد فیروزبخت، ویراست هشتم، تهران: رسا. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۱۳).

۲۲) منصورنژاد، زهرا؛ پورسید، سیدرضا؛ کیانی، فریبا و خدابخش، محمدرضا (۱۳۹۲). «اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر تحول بلوغ عاطفی دانشجویان دختر در آستانه ازدواج»، **مجله اصول بهداشت روانی**، ۱، ۱۵، ۵۹، ۱۷۰-۱۵۸.

- 23) Eichenberg C, Schott M, Decker O, Sindelar B. (2017). Attachment Style and Internet Addiction: An Online Survey. *Journal of medical Internet research*. 19,5,170.
- 24) Gupta, A, Sharma, R. (2016). Attachment Style, Emotional Maturity And Self-Esteem Among Adults With And Without Substance Abuse. *International Journal Of Indian Psychology*. VOL 3, Issue 2 NO 5.
- 25) Liu, S, Lue, L, Wu, M, Wang, R, Ping We, Y. (2016). Correlation Between Self- Differentiation And Professional Adaptability Among Undergraduate Nursing Students In China. *International Journal Of Nursing Sciences* 3, 394-397.
- 26) Miniati M, Callari A, Pini S. (2017). Adult Attachment Style and Suicidality. *Journal of Psychiatr Danub*. 29(3):250-259.
- 27) Paste, G., & Aminabha Qi, Q. (2006). Impact Of Emotional Maturity On Stress And Self-confidence Of Adolescents. *Journal Of Indian Academy Of Applied Psychology*, 32, 69-75.

- 28) Shih-Hua Chang.(2018). Testing a model of codependency for college students in Taiwan based on Bowen's concept of differentiation.53,2,107-116.